

الحکومتی اجلال للک است ، تا وقتیکہ حکومت تعیین نشود انتظام شهر با اوست

تقریر مستر مکن وود معاون

(وزیر خارجه در دارالشورای ملی)

(انگلستان)

دولت انگلیس نظر به کفالتی که در مجلس ملی نموده بود در ندادن قرض دولت ایران تا وقتیکہ مجلس ملی صحه نگذارد مستقیم و مستقل است . دولت روس بجه هزار لیرا مصمم شده بدولت ایران قرض بدهد ، و این مبلغ زیاد نیست . و از قروض بزرگ دولتی بشمار نمی توان آورد ، و این وجه فقط برای رفع ضروریاتی است که تصریح بآن شده است ، و ما مطالب قرض روس در دادن این وجه چیست و بجه شرط و برای چه مصرف است ، منجمده قشون قزاقی در تبریز موجود است که براگندگی آنها لازم بدادن مواجب آنهاست ، و وکلای پارلمان ما بخوبی ضرورت این امر را احساس کرده و برای حفظ جان و مال رعایای خارجه تصدیق نموده بودند ورود قشون روس راه و اینک نیز با اطمینان کامل داده شده است که پس از ورود حکومت مستقلی که قابل اداره آذربایجان باشد فوراً قشون روس از تبریز حرکت خواهد نمود ، شا وکلای محترم به مطلب را خواسته بودند که دولت ایران باید ماطور نماید . من چه خارج بودن درباریان و وزرای کج اندیش ، چنانچه در پروگرام دولتی که بعاه پیش شده اسم وزیر جنگ بصراحت برده شد که امیر بهادر جنگ باشد ، چه مکان میرفت که او بدترین صلاح دهندگان بشاه است ، در هر حال این وزیر با دو وزیر دیگر معزول شدند ، فعلا کارها بدست سمدانوف است ، و ناصرالملک وزیر اعظم خواهد بود در صورتیکہ بایران مراجعه نماید و اینک درپاریس است ، والتبه اگر بایران مراجعت کند در محافظه او ضمانت گرفته خواهد شد .

مستر (مکن وود) معاون وزیر خارجه در جواب (مستر رتفرورد) اظهار داشت که دولت روس مصمم در بازگردندن قشون خود از تبریز عاجز است می باشد و منتظر ورود حکومت است ، نائب الحکومه برای شهر منتخب شده و درانتظامات نیز کوشاست بجواب (مستر جی کوج) اظهار داشت ، دولت روس مصمم شده قرضه از ۵۰۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰۰

لیرا بقاء دهد مشروط بر اینکه این وجه در مقدمات مصارف پارلمانی صرف شود ، و این مبلغ فقط برای دادن نخواه قشون و مواجب ملازمین دیپلماتیکه خارجه و سایر ضرورت های لازمه ، دولت انگلیس را اطمینان حاصل گردیده که این قرضه هیچ گونه خللی در انتظامات ایران نخواهد آورد و در این مسئله دولتین روس و انگلیس متفق الرأیند که در ایران سلطنت شوروی قائم دارند

(مستر جانسن هیک) ، آیا وزارت خارجه اطمینان دارد براینکه ازین قرضه روس بایران میدهد هیچ حقی از حقوق انگلیس بجا نماند خواهد شد؟ مستر مکن وود - بلی ما را در این خصوص اطمینان کامل داده شده است.

باز سؤال شد ، آیا سفیر ما در ایران درین موضوع چیزی اظهار داشته که وجه این استقراض بجه مصرف خواهد رسید؟

مستر مکن وود تا جایکه اطلاع دارم عبارات غیر رسمی بین مابیند ما و نماینده روس درین موضوع رد و بدل شده ، ولی در این امر فعلاً دشوار است بتوانم اظهارات قطعی بدم (مستر کاردای) آیا این قرضه سبب مزید توقف قشون روس در ایران نخواهد شد؟

(مستر مکن وود) خبر من چنین اسری را تصور نمیکنم - اترو ویو مستر هارتویچ

سفر سابق روس در طهران

وقایع نگار دیلی نیوز لندن ۲۴ می بامسبو (هارتویچ) سفیر سابق روس در طهران ملاقی شده در معاملات ایران تا در باز با او صحبت داشته و خلاصه خیالات مشارالیه را باخبر خود چنین اطلاع داده و میگوید ، نه اینکه چون مسبو هارتویچ از حالات ایران بخوبی واقف است سخنانش خالی از اهمیت نیست ، بلکه چون عنقریب دوباره بایران هودت خواهد نمود خیلی اهمیت بادهاد مسبو هارتویچ چنین اظهار داشت ، بدون شک و شبهه ایران محتاج به اصلاحات و انتظامات لازمه خاصه در وزارت عدلیه و مالیه است ، در اخبارات ملاحظه شد که عده از وزراء را شاه برای اصلاحات بتازگی مقرر نموده ولی مایباید در غامضی بایم که این وزراء مانند وزری اروپا از عهده اصلاحات بیرون نمانند آریه

چنانچه يك از همه وزارت خانه های ايران همانا وزارت خارجه است كه خيلي بايد بر سایر وزارتخانهها رجحان داشته باشد نه دارای دفترخانه و نه قاعده در ضبط اسنادات و دست آویزهای رسمی اهم از خارجه و داخله است. وقتی من طهران بودم وزیر عدليه اظهار داشت كه برای اداره او ۹۵ نفر کافی است ولی فعلاً ۱۰۰ نفر بیکاره در عدليه موجودند. و ۳۰۰ نفر را كه زیاده هستند نمی خواهم بیکار گذارده باشم. من در جواب گفتم چون اینها موجب حواص دولت نیستند چرا گذاشته و درد سر برای خود زیاد می نمایند؟ گفت: «درست است ولی امر شان ازین اداره می گذرد» (یعنی رشوه میگیرند) من می خواهم آنها را بیرون بیاورم و رزقشان را به برم.

وزارت مالیه خیلی بدتر از وزارت های دیگر مفسوس است برای وصول مالیات خفای زیاد در ايران لازم است. اگر بجهتی امر خود كه باید فلان مبلغ مالیات وصول كنی. آن خوش نفس دو یا سه مقابل آن را بزور جوب از اهالی وصول می نماید. با این حال چیزیم كه باید مقنون برسانند و آن بیچاره هارا بجای اینكه مایه درستی بدهند و در انتظامات مملكت بگذارند. حكم میدهند كه بعضی مواجب فلان ده را قارت نمایند و امور خود را بکنترایند. چون این واقعات را بعضی ملاحظه نموده ام بسیار ضرورت اصلاح را در عمل مالیه میدانم.

برسبب آیا مجلس نمیتواند نگاهداری امنیت و انتظام مملكت را بخاید؟ بعد از فكر بسیار در طریقه كه امروزه پارلمان را با زور انگلیس و روس افتتاح نموده اند گفتم «شما هیچ تصور نمیتوانید كرد احوال مجلس را چنانچه ما مجسم دیدیم. نه مقنون دارند. نه زندام نه پولیسكه بتوانند امنیت را نگاه دارند. هر كس شكایتی دارد میرود در مجلس برای داد خواهی به ایرانیان را گمان این است كه تمام امور را مجلس اصول جادوگری میتواند انجام دهد. سابقاً كه این مجلس منقذ (۱۷۰) انجمن هم مازبوره. مثلاً كفش دوز هم يك انجمن از خود داشت و در آن انجمن اهم قرار میگذاشتند كه ابدأ نباید مالیات داد. من بنا آنگاه میگفتم چیزيكه می قسم این است كه انقلاب

عظیم در ايران برپا شود. و بر انگلیس و روس آن وقت فرض خواهد گردید كه دخالت در امور ايران بخاند. و من این امر را بزرگترین سعادت برای ايران تصور میکنم. نه اینکه نه ور كنبند ما میخواهیم سرحد خود ما را مالار گذاریم و فیه داری عظیم حاصل کنیم. ولی ما مجبور خواهیم شد كه چنین امر را اختیار نایم چیزيكه از استقلال ايران بجا مانده همان نام پادشاهی است. گفتگوی جمهوریت ايران بی كم كردن است. و مسلماً اگر این شاه برداشته شود يك شاهزاده دیگر بجای او خواهند گذاشت و قبیلاً آنها ظل السلطان خواهد بود كه بجهت كثرت تحول توجه عام و خاص بطرف او معطوف است. ظل السلطان ابدأ با مشروطیت ايران همراه نیست و اگر اقتدار پیدا كند آتشی عظیم تر خواهد افروخت. در طبیعت این مردم رحم خلق نشده و مائتا درجه ظلم را در حق او تصور میتوان كرد. چه قدر ها مردم را بچوپ بست و كشته و سوزانده است و بعضی را شهید بیدن شان مایه زده زنجور های زنده میگذاشت تا از سدمه زهر و پیش آنها حلاك شود.

من از او سؤال نمودم بنظر شما انتظام مملكت ايران چه قسم باید بشود. جواب داد «تا انتظام در اداره عدليه و مالیه نشود اصلاح در كارها نخواهد شد و تا این دو اداره زیر نگرانی اروپائیان نیاید انتظام پذیر نیست».

در چنینك خواستم بر خیزم (مسز هارنگویج) با حقه اظهار داشت كه من از ملاقات شما خیلی خوشوقت شدم خصوصاً بواسطه اینکه مسلك اخبار شما حقه شدید بر حكمت عملی روس در معاملات ايران است.

ترجمه ملونك بست

(۲۱ ج ۲ - ۱۷ ص)

بر حسب خواهش مجلس ملی مراسلاتيكه بین وزیر خارجه و سفیر انگلیس مقیم طهران در امور راجعه بایران رد و بدل شده از دسمبر سنه ۱۹۰۶ الی نومبر سنه ۱۹۰۸ در (كتاب آبی - بلووك) طبع و نشر یافت. درین كتاب برخی مراسلاتك بین سفیر پروسبرگ و طهران شده نیز منسوخ است.

« تنقید هند براسه کتاب آب در مسائل »

(راجه ایران)

(شاه بطور بدو مشروطه را منظور نمود)

قبل از رحلت شاه مظفرالدین مراسلاتی چند به اجنوع جاری و در چند خط کیفیت این امر مندرج است. شاه مظفرالدین در مرض موت مشروطیت ایران را قائم نمود. چگونه و کیفیت آن را همه معلوم و ذکرش توضیح و احاطات است. فقط همین قدر را موضوع بحث میداریم که چرا اعلیحضرت محمدعلی شاه در قبل تخت نشینی خود را حاکم مشروطه نمود. و این نکته تا درجه ارخط ذیل طاهر می شود

« خط سر ایل اسپرک راپس »

(سفیر سابق انگلیس مقیم طهران)

والا حضرت ولیعهد شانزدهم ماه گذشته وارد طهران شده از چندی باین طرف سازش زیادی در دربار بین شعاع السلطنه و وزیر دوبر (امیرپادشاه) جاری بود و سعی بودند که به تدابیر عملی جلوگیری از حرکت ولیعهد از تبریز بمانند. ولی ن بولی آنها را بگرام نائل به نمود و تدارکی دیده شده بود که قرصه از دولین انگلیس و روس بوده بلکه بدان ذریعه به مقصود خویش نائل شود. آهم صورت به بت - علاوه بر این شخص شعاع السلطنه نسبت بولیه در نظر بسیاری از اهالی ناپسندیده بود. این واقعات سبب گردید که ولیعهد بیغام های صلح آمیز در همراهی مشروطیت رؤسای ملی فرستاده کم کم بچاری شاه شدت نمود و از آمدن دوکتر آلمانی امید بیاسی مبدل شد و یقین حاصل گردید که شاه را هر باخر رسیده. از همان وقت حامیان شعاع السلطنه بیک یک از دور وی متفرق گردیدند و شاه هم جدا حکم حاضر ولیعهد بطهران صادر نمود. پس از ورود ولیعهد بطهران مقدمه خود را در حاکم مشروطیت در وقت اجال گذاشت. ولی علی الظاهر همردی خویش را مشروطیتین ارار میداد در حالیکه ناظراً کمال منافرت را از مشروطیت سلطنت داشت. و ناچار بدون هیچ گونه جون و جرا بمشروطیت سلطنت کردن نهاد

« اقدامات روسیان در سنه ۱۹۰۷ »

(تلگراف سر آرتر نیکولس سفیر انگلیس از پترسبرگ)

وزیر خارجه روس امروز بمن اظهار داشت که مسلک ما درباره ایران اینست که هیچگونه مداخلتی در امور داخله آن نمانیم. و تا هنگامیکه اشد ضرورت پیش نیاید دخالت مسلحه نکنیم. و درحین ضرورت هم بنوع بسیار مختصر آنهام باقانی دولت انگلیس اقدام مانیم. و بدون مشوره با دولت انگلیس مرتکب هیچ اقدامی در ایران نشویم. لذا خواهش نموده که دولت انگلیس هم در جمیع امور راجه ایران همین مسلک را اختیار نماید. و من او را اطمینان دادم که هیچ شك نیابد که مسلک همیشه ما همین خواهد بود. و هر دو دولت متفقاً (احمد میرزا) را بولیهی شاه تسلیم نمایند

« ایضاً تلگراف سر آرتر نیکولس »

(۲۲ جولوی)

در خصوص ولیعهد ایران خطی رسیده از وزیر خارجه روس یافته ام که در آن نوشته سفیر دولت مشارالیه مقیم طهران یاد آوری نموده است که (سر لیل اسپرک راپس) سفیر انگلیس را در طهران اعلام نمایند که دولین روس و انگلیس فرزند دوم شاه را بولیهی تسلیم نموده. آیا مرا اطلاع خواهدداد رضایت خود را وزیر خارجه (مسبو اسوالسکی) ظاهر نام. و در جواب او تفکر کنم. مجدداً مشارالیه اشاره نموده که اتفاق دولین در معاملات ایران و اقدامات توام آنها میتواند باعث املیت آن ما گردد

« جواب سر ادوردگری »

(سفیر انگلیس مقیم پترسبرگ)

من با وزیر خارجه روس کمال اتفاق در مسائل مذکوره دارم و بسفیر مقیم طهران در این باب هدایت لازمه شده است

« واقعات تاریخی مجلس »

(سر لیل اسپرک راپس) سفیر مقیم طهران در رپورت رسمی خود نوشته « عیناً مجلس از چهار جانب محصور است » از یک طرف درباریان تمام دشمنانند. چه از طرف دیگر اهالی نیز چندان خوش نیستند. چه قیمت ارزاق نسبت بسابق تفاوت نکرده. بسبب

مباحثات زیاد بین رؤسای مجلس و دربار هر دو استظفا گفته اند، ازین امر تا درجه کتوری دشمنان مجلس هم ظاهر می شود. علاوه چیزیکه مزید هنگامه مشروطیت گردیده اختلاف آراء است در باب حقوق تمام رعایا که بالسویه منظور شود یا نه، رؤسای ملت را عقیده این است که جمیع رعایای ایران اهم از مسلم و غیر مسلم حقوقشان باید بالمساوات منظور شود مگر بعضی از ملاهایی طهران در این باب مخالفند، منجمه سه مجتهدین این شهر اند. فقط سید محمد مجتهد طرفدار رؤسای ملی است، دعوی سابقین این است که در ملک اسلام قانون اسلامی باید اجرا شود، درین باب جماعت علمایک رئیسشان سید محمد و سید جمال الدین واعظ است عاتماً اعلان نمودند که قانون اسلام آزادی و برابری را بین جمیع فرق به تساوی قرار داده و هر کس خلاف این امر را گوید لا مذهب و مانع ترقی ملک خود است

در خط دیگر حالات مجلس را اینگونه مینویسد

مجلس هر روز منعقد میشود. و جشن سالانه مشروطیت با نهایت تزک و احتشام گرفته شد. ولی تاکنون مجلس هیچیک از کارهای لازمه را صورت نداده و قالب طریق را هم میبرد. و تصمیمی هیچ مسئله از روی صحت و قاعده در مجلس نمیشود. شاه هم با نهایت عقلمندی در مخالفت مجلس اقدامات سری مینماید. و برخی ملاها را در باطن مؤید خود نموده است. و پیشرفت مقاصد شاه بعبید بنظر می آید. چه طویل با زور و شور اقدامات سری و عسقی بر خلاف مجلس میشود. رؤسای ملی ابداً مانع از اقدامات آنها نیستند یا نمی شوند و عقیده شان این است که ازین و بعد حکومت خود سرانجام شاه در ایران بسیار دستوار است. دشمن قوی مجلس بعضی از وکلای خود مجلس است که آنها نه همراهی با سائر وکلا مینمایند تا کار پیش رفت کند و نه بدون همراهی آنها کار پیش رفت تواند نمود. و طرفین متفق بر این هستند که اگر مجلس کار مهمی را انجام دهد قلوب عامه از مشروطیت و مجلس ملتمس خواهد شد. دربار برخلاف هر دو جماعت میگوید که بدون اطاعت مجلس از شاه هیچگونه پیشرفت در کار ما نخواهد شد

خط مستر مارشک وزیر مقیم انگلیس

(در واقعه نوبخانه دسامبر سنه ۱۱۰۷)

سفیر روسی دپروز عصر مرا ملاقات کرد و بحث زیاد در معاملات ایران نمود. ما هر دو در این امر متفق شدیم که فعلاً لازم است شاه بر تخت سلطنت قائم بماند. ورنه اوضاع ایران از بدتر خواهد شد. چه هرگاه شاه معزول شود تا دربار باید اصول سلطنت (قوانین آف رجسی) در ایران قائم شود. و قوانین آف رجسی یا جمهوری هر دو موافق طبیعت کنونی ایران نیست. و بواسطه نسیبانات طایفگی که در ایران موجود است در اینگونه سلطنت خوف زیاد می رود. و هرگاه بازم ضرورت آزمایش سلطنت شخصی باشد باید با همین شاه بشود که تا درجه تجربه حاصل نموده است. درین عینت شاه و رعایا مات غالب آمد. ولی درین غیبه نمیتوان گفت مشروطیت ایران مستحکم گردید. اگر چه شاه فعلاً مغلوب و عیب داشته. ولی از اخبارائیکه محس تبریز به ملت رسیده و از یادآوری های حرکات ایام ولیمهدی شاه در تبریز خیرت بزرگی در اهالی آذربایجان تولید شده. هیچ شبهه نیست هرگاه ملت را دوازه مدگانی رشاه در مخالفت مشروطیت حاصل شود اگر او را نکشند نالیدین طالع از سلطنت خواهند نمود. چنانچه در خط - بق نوشته ام در نقای مشروطیت ایران بهترین اصول امروزه این است که شاه تخت نشین باشد. ولی او را در دخالت های بیجا باز دارند. در آن صورت میتوان یقین حاصل نمود که نسبت بحالا زناده اندت در ایران قائم خواهد گردید

ایضاً در خط دیگر مستر مارشک

(وزیر مقیم انگلیس از طهران مینویسد)

قبل از واقعه ۲۳ جون (۲۳ ج ۲ سال گذشته) عصر دوم شهر مذکور شاه رضا دادشش فر از خاصان خود معزول نماید. صبح روز دیگر ساعت دو یا سه امیر بهادر جنگ (وزیر دربار) با ۲۰ نفر ر خلایق مساج خود در سفارتخانه روسی که در (لندن) است رسید. همان روز (سوم جون) سفیر روسی ملاقات من آمد. درباره سلامتی شاه

« افسران روسی »

(در طهران)

در خصوص اقدامات کرنل لیاکوف خبر اشتهار که داده هیچگونه ذکری از او نیامده است که از آن مذاکرات تصرفات افسران روسی استنباط شود. در حلط ۱۵ جولائی سنه ۱۹۰۵ مستر (مارشک) وزیر مقیم انگلیس این گونه اظهار داشته است « بقیدۀ من افسران روسی عمداً شلیک نکرده باشند. ولی ایرانیها میگویند آنها را همین قسم تعابیم داده بودند. سفیر روسی شخصاً به من اظهار داشت که اگر واقعاً افسران روسی حکم به شلیک نموده بودند، آنها ممکن بود که یکی از اعضای انجمن جان سلامت برند و حال آنکه انجمن در محاصره بود »

یکی از وکلای ایران بن چنین اظهار داشت که (کرنل لیاکوف) در موقع انقلاب قسمی ایستاده بود که هر وقت هر یکی از ملتیان میخواست میخواست او را هلاک سازد، ولی نظر بر اینکه از هلاک یک نفر روسی میدان وسیعی بدست روسیان می آمد و رنگ دیگر در طهران ظاهر می شد، ملتیان از روی حب الوطنی دست بروی دست نهاده فقط خود را محافظت می نمودند، شك نیست بعضی دکا کین بهسارت رفت و علاوه حاکم ظلالالسلطان و بانوی عظمی را هم شهبه میبرد افسران روسی خراب کرده اند، ولی از جلوگیری افسران روسی بود که اقواج سیلاخوری امیر بهادر و غیره نتوانستند پیش از اینها زیادتی نمایند

« حبله للذین »

فقط این ترجمه لغتی است که ما از اخبار استدرود نموده ایم پس از ملاحظه کامل از کتاب آبی ملاحظاتی خود ما را خواهیم نوشت، همین قدر میگوییم که ازین چند مراسم استنباط میتوان نمود که جلوگیری ملت را در مقابل شاه در ۲۳ ج ۲ سال گذشته تهدیدات ناپسندگان دولتین نمود، و درین مدت هم شاه را بساطت شخصی آزمایش می نمودند، و درین دم آخر هم مذهبای حمایت را از شخص شاه نمودند، خدا کند ازین و بعد انحصار بین ملت و دولت قائم گردد و ناپسندگان دولتین را آزمایش های دیگر لازم نیاید

خلیل اظهار نفوس نمود و طوینتن را هم مرده تصور میکرد، حالات جنان در نظر وی حوکات جلوه نموده بود که کاتب میکرد هر دو سفارتخانه باید به اقدام فوری بخایند، لذا عقیده خود را درباره ملاقات توام با مشیرالدوله ظاهر ساخت، اگرچه مشیرالدوله از صده و وزارت خارجه پنج روز قبل استعفا داده بود ولی باز هم بهمان عهده شناخته می شد، غرض این ملاقات آن باشد که او را بیگانه از خرابیهای آئینه ایران هرگاه حادثه برای شاه پیش آید، من جواب دادم که اتفاق با رأی شما دارم اما کجای نمی کنم ملاقات مشیرالدوله هیچ مقرر نمیشود، بهتر این است که ما خواهش نایم ملاقات رئیس مجلس شو را با مشیرالدوله سفیر روس و آری مرا پسندید و گفت ممتازالدوله نسبت به وزیر خارجه چندان دارای اختیار نیست، ماقبت قرار شد که مشیرالدوله و ممتازالدوله و عضد الملک را توام ملاقات نایم، ما هر دو مشیرالدوله را تقنون نموده اطلاع بملاقات خود در ساعت سه و نیم عصر دادیم، وقتیکه من بمنزل مشیرالدوله رسیدم سفیر روس را آنجا موجود یافتیم، ولی ممتازالدوله و عضد الملک بمناظر می نیامدند، سفیر روس بدین گونه آغاز به صحبت نمود « ما دو نایبان آن دو دوات هستیم که بلا نهایت جی خواه ایرانند، و آمده ایم بخایم چیزی را که بد مانبق برای ایران دارد، و ممکن است اوضاع ایران را خراب تر کند، لذا شایر لازم است که وزراء و مجلس را ازین امر بیگانه کنید، بعد از گفتگوی (مسیو مارشک و پیچ) من اتفاق رأی خود را با او اظهار داشته گفتم « بقیدۀ من میان شاه و مجلس باید اتحاد بقود و رفع سوء ظن ملت از شاه بگردد، از بد قسمتی هیچکس بحبال محافظت شاه نیست و در مجلسیان هم عقل و ذهانت معدوم است، مخصوصاً در ماده (قورسل آف رجلیسی) خیالات مجلس طفلانه است، عجب این که هیچ کس مجلس را در این باره نمی نماید، بواسطه اقدامات برخی انجمن ها بین شاه و ملت نا اتفاق زیاد شده، چنانچه برخلاف شاه بسیاری از حرفهای فضول مشهر می نمایند، و مطالبی جاهل ایران هم بقین میکنند، چه دیده انده است بهجیک از اهالی نودید کند خیالات انجمنیان را »

دوره دوم مشروطیت

بری نو راد حریت ه از یارده ماه بان طرف از زخهای نامردانه دیو پلید استبداد در بستر بیماری بخود می نالید رو به بهبودی گذاشته و فرشته عالی نیک فرجام مشروطیت مزده زیارت جمال دل تراش را عاشقان مهجور میدهند

آری . . . مجامعات احرارانه امالی غیور آذربایجان ، و اشترک مشروطیت خواهانه مجامدین رشت و اصفهان ، و جنبش خدا پسندانه سایر بلاد ایران آخر بشاه فهاد که سلب حقوق مشروعه بکلمات بزرگ و بیدار شده در بد قدرت هیچ قوت نیست ، و در قرن بیستم می آروز فر عالی ر ه زنجیر اسارت شوان بست .

اغفالات و تیطت های خائین ملک و ملت ، دشمنان حقیقی سلطنت محص برای بر اردر کینه دا و احرا می اغراض شخصی بود و ان جابورن استبداد علاوه بر آنکه حباب ، استقلال بکقوم سزک را بمهلاک گذاشتند طافبت پادشاه اران را هم مثل سلطان مخلوع های عبد الحمید ثانی می خواستند .

الحمد لله حق و سعادت مظفر گشت و غیرت لله غالب آمد ، خبر علان مشروطیت و تلکراف نشارب آبرز المحمن مقدس یالقی آذربایجان در حصول مقاصد ملت و تفرقه اردو می استبداد فلهای محزون ما را بر از بشاشت هود ، اگر پشوایان روحانی ما توه خاقان را قبول فرمایند میتوان گفت ه مقصد حاصل گشت ، ولی مهمترین مسایل سحصار مثبت کامله از صدقت شاه بقاوت اساسی است و ایهم ملخصر و موکول بابرار معاملات احرارانه و اقدامات مشروطیت پرورانه از طرف شاه میباشد .

اهلیحضرت باید فراموش کند که در عرض دو سال سلطنت خود ایران را ویران و مملکت را بحال قبرستان در آورده ، سبب اتلاف بجاه هزار جوان ، و باعث اضمحلال صد هزار خانمان شده ، تجارت و زراعت و زوت ملک را خراب ، و صد کرور اموال مسلمین را هوساخته . دین مقدس اسلام را اهدت ، و عالیای اعلام را حضارت کرده ، قصبه ها و شهرهای بزرگ را تار مار ، و تاریخ شش هزار ساله ایران را

لکه دار فرموده بر حسن ایرانیت بر طورده ، و بر قلب اسلامیات زخم زده

در این صورت البته شاه میداد که با دستهای خون آلود شوان رایت حریت افراحت ، و قبل از تلاق طاقت شوان از ملت ستمدیده عنی الله عما سلف خواست ، در اول باید دستها را از خونهای ناحق ریخته شست ، و با قلب صاف و نیت خالص دم از آزادی زد . شاه اگر می الحقیقه ادم از افعال خود شده می خواهد جبران کرده های خود را نماید برای اطعیان کامله مات و حصول آن موقع احترام و حبت که ملزومه هر سلطان و رعیت است در قلوب امالی یران باید بدور تردد شرایط دلیل را قبول کند :

اولاً - بعد از اجرای قوانین اساسی و اجتماع محاسن مقدس ملی تسلیم حشرات دربار و عوّه استبداد عدالت حاکم ملت است که با هایت سحقی عبره لایرین مجازات شوند

ثانیاً - سوق و اعنوم فثون ساحلوی طهران و قزاقان محدود و ثمود مملکت و سایر بلاد ایران میباشد در حکم حافظ پادشاه مشروطه خواه عموم ملت خواهد بود

ثالثاً - امور حکومتی و دولتی تکلیف و درونی باید تودیع شود که امنیت محاسن ملی را حاصل نموده است شخص سلطنت حدود معینه در قانون اساسی را نباید تجاوز کنند

رابعاً - عموم مامورین کل و جزو حق اجرای دربار باید از حرار و مشروطیت پروران انتخاب شود رای ایسکه اگر طرفیان سلطنت منشکل اراتی ماندهگان استبداد باشند محتمل است که دماغ شاه را دوباره مسموم سازد

خامساً - مصارف تعمیر همدرت مجلس مقدس ملی و معاومت باولاد شهدای حریت باید از جیب همایونی اعطا شود

اگر اهلیحضرت این مطالب بیغرضانه را بسمع قبول استقامت فرمود میتواند با سودگی نام مطمئناً از تاج و تخت خود اجرای حکمرانی کند و ملت طالبینتاب و اغراض کلنده ایران دوباره وجود محمد علی شاه را

محترم دانسته اراز مآثر شاه دوستی خواهند نمود
توانستی بود که با حصول ائتلاف حقیقی میان
دولت و ملت شاهنشاه مشروطه خواه ایران بدستباری
قوم نجیب و غیور خود بعد از الحراج اجاب از خاک
پاک وطن، و کندن ریخته ملحوسه استبداد، و تأسیس
حکومت بر وفق مشروطیت استقلال ملت خود را در
روی اساس محکم گذاشته در آسبای و سطلی پائیک
مستقیم نصب کند تا اینکه سعادت و تمدن قدیمی این
ملت نبیل، هنر و جلال تاریخی این مملکت جلیل
دوباره احاده شود (ف - م)

مکتوب یکی از علمای جلیل

(کبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالا نقولون)

از طرف دربار اعلان مشروطیت شده، چشم مشروطه
بازان روشن، بشارت باد خاصان حرم را، این اعلان
را جنم می باید شمرد آفرین بر این هنرم، آفرین
بر این نبات، آفرین بر این اوامر، خدایا رسوا شدیم،
بیقدر گفتم، و ذیل بقلم و قلم، آهی ما صکک غیرت
نداریم از روی سرمشق ژون زکها سطری بنگاریم،
الهی تو هیوری این تنگ را از مات ایران برداره این
مار را از ما بگیر، ما صکک شیخ الاسلام منحصر بفرد
نداریم حدود این دربار متلون المزاج را که چون به
طاوس مردم برنگی است هدایت فرما و این بلارا از
ما دور کن . . . میدام که دمای قولی هم مثل اعلان
قولی است نه او را نمری است و نه این را اثری، اگر
تنها قول در عمل و در ترتیب آثار حکماتی بود
تصدیق به حسان و عمل به ارکان در صحت ایان بر
اقرار بلسان مزید نمیفرمودند (خیر الاقوال ما یصدق
الاعمال) گفته میشد، کردار پیار کرد گفتار مکرد
قائل غیر از قائل است گوینده غیر از کننده است،
تا دی صلوة را مصلی نمیگویند قاصد حج را حاجی
نمیخوانند (لم تکنوا بالیه الا بشق الاض فضل اللقال
علی التمال منتصه - و فضل العمل علی المقال منقبة)
شایسته شان ملوک فعل است نه قول - علی الخصوص
در جایکه تنها قول، مورد سوء ظن رحبت باشد خاصه
در محلیکه حلت بمن و خلف وعده و توفیق مزاج
مستبوق باشد و ملت بقول او اذیت نمایند در این
صورت اعلان قولی البته نتیجه بر عکس خواهد بخشید

اگر دربار در این مورد اعلان فعلی میفرمود از
شان اش چه میگامید و خلاصه، به قول قذاعت
حکورد بر فوئش چه افزود، بجز اینکه افراد مات
هر یکی به لحن و بکنایه و به تمذیل مقرر گفتند و
جراند اجنبیه که لسان القوم اند، بنای بدگون و
طنه زنی گذاشتند، تا کی مورد طمن و لطمه اجانب
خواهیم شد، تا چند مارا ز ذیلترین ملل خواهند گفت؟
ای درباریان، ای بادیشان، ای بست فطرتان، ای
خانان ملت، ای محو کنندگان دولت، کف بر غیرت شاه،
اف رحبت شاه، اگر قدرت اداره ندارد استعفا ناپدید مات
را بر باد ندهید دولت را زبون نسازید، تا کی میخواستید
ملت را گول زنید، تا چند میخواستید دولت را به بد
عهدی شهره افق ناپید، منصور از این اعلان قولی
یعنی چیست، اگر دروغست که شایسته شایسته ملوک
نیست و اگر راست است مصداقش کو، هنوز در
پارستان بسته است از شوآسیه ملی جز در درون
دلهای احرار اثری نیست چرا کاپنه از روح استبداد
تفکیک یافته، وزرا مشول کدام مجلس مستنده و ساطی
مخابرات چرا آزاد نیست، چهار طاعه پسته تبریز چرا
هنوز در طهران در تحت توقیف استبداد است، چرا
خطوط چهار طاعه اطراف که به تبریز فرستاده شده
هنوز در طهران است چرا تلگرافخانه ها از برای
مخابرات سیاسی و پلتیکی مات باز نیست، چرا هنوز
امیر هادر و شیخ فضل الله مشیرالسلطنه خبرالدره و
رحیم خان عین الدوله و محمد خان و میرزا حسن تبریزی
و پسران قوام در سرکار و صاحب اختیارند، چرا
انجمن ماسیه ایالتی را رسماً نمی شناسند چرا هنوز
قانون روس در تبریز و حدود شمالی ایران باذن
صاحب در کشت گذارند چرا هنوز زککان در استرآباد
مشغول افعال بربریت هستند، چرا پسران قوام در لار
مشغول قتل عام و نهب اموال و هتک اعراض اند، چرا
هنوز وجه کمرکات بنادر سپرده به انگریزه است، چرا
هنوز در طهران حکومت اداره هر فیه بر چیده نشده
چرا هنوز اردوهای باغ شاه و کرج و قم را امر مراجعت
صادر نشده، چرا هنوز محبوسین ایرانی قلیس و غیره
تخلیه سبیل نشده اند، چرا وکلای حاضر طهران را رسماً
در محلی بطور آردای نشانیده و مشغول مفاکره امور

مملکت میدارند، چرا دکلاي محبوبين باغ شاه و نهجين مشروطه طهران فک رفته ميشود. چرا باز وجوه باز یافت ماليات روزانه در باغ شاه تقسيم الواط و اشراق ميشود و دبناري از آن در مصالح ملت و لوازم مملکت صرف ميشود، کدام در استبداد پست شده و کدام باب مشروطيت از کشته کدام قزاق دست از جان ملت بچاره برداشته کدام روزنامه آزاد ملي را اجاره طبع و نشر داده شده کدام روزنامه خارجي آزاد را وخصت دخول بر مملکت اعطا شده کدام مکتب مار گشته کدام سانسور از حرکات ملت مروع شده کدام ماده قانون اساسي موقع اجرا گدرده شده تغير قانون انتخابات سابق موافق کدام مشروطيت است و تصويب کدام مجلس شورا تيريدل گشته، مملکت تشيع و اسلام و محروميت نبي هاتم از انتخاب وکالت يعني چه، محروميت کتر از جهل ساک و آنکه طالیه اش ار ده هزار تومان کتر است از انتخاب وکالت چه معنی دارد، کدام عقل تجویز اين امر نموده، کدام شرع فتوای اشکار را داده نام جوهر استبداد را مشروطه گذاشته و سي مليون ملت بچاره را ريشخند ميبايند، برعکس هند نام رنگي کاهور ملت راست که بيدار باشند و قطع ميبايند که اين دردان واهزن مشروطيت از کرده مادم نشده و اهل قافله دلشان سوخته بلکه از دور جبهيق دنده و آمار دفاعي فهميده خودشانرا مکناري کشيده و مادم علم ميدهند و اظهار همراهي با اهل قافله ميبکنند تا جبهيت نابديد شود و صدای اهل قافله بجاين رسد، آنگاه تا سودگي تمام وجهيت خاطر مقصود خود شانرا با بچام رسانند و قافله را بوادي پستی کشانند خدا قات دانا و چشم پينا و گوش شنوا عطا فرمايد، در تمام اهل ده يك رنده گو و ما اما بسمع من في الهبور

• اصول سلطنت اسلاميه بنا بر طریقه نامه •

• بدهی گاهی بواسطه کمال بداهت •

• نظری میشود •

آنانکه در آینه سراپانای تاریخ نظری دارند بدانند که در صدر اسلام صد ار اصول بر رسالت استخلاف خلفای راشدین انتخاب بوده و خلافت عبارت از انتخاب یک نفر ائمه در دین و اقدر بر اجرای قوانین

صادر از مبلغ علم نامتناهی الهی بود. رای نودیع ریاست نامه امور دینی و دنیوی هیئت ملت بخوبیک در صورت تخلف از مقتضیات قانون حقاً باسترداد و دینه خود یا خلع خلیفه و نصب دیگری مقتدر باشند مدت جهل سال و چند ماه کلیه امور مسالماهای اول در جری قانون اداره میشد. بتالال مسلمین موافق اصول قانون اساسی در موارد مفید آن صرف سبکشت اگر در دایره امکان قدرت تصور میشد فقط بمصبر قانون بود. هیچوقت خلافت بارت غیربید خلیفه قدرت مرموز خودداری از رعایت دقیق قانون را بداشت خلیفه خود را مسئول انصاف مملکت مدوات دانسته در بهانه هن فروردان خود و اصناف فتری ملت بحکم همومیت قانون درتی میگذاشت، و مسلمین بدو شوکت اسلامی نیز حدنا ماطر جزئیات و کلیات حرکات شخصی خلیفه رسد، و آن ار ادای این مسئولیت فکالت مینکردند.

ار آن بعد بواسطه نادمی ایام این سر طبعی، این حق مشروع، و این مسند حالات را ملاحظه پینرفت هوا و هوس، و آلت خارجه شصکوه و طهطه بازگه هنرت قرار دادند، خصوصاً در دوره خلافت عباسی، لایه و عمال اطراف لفظ ملوک و سلاطین را تراشیده نحای خلافت و اطارت مؤمنین در ضمن بجمالات تکفنی رب رو دوش خود نمودند، گوی لفظ سلطنت کسی را مبرارید که در تحت همان تجملات ظاهری یک اپر معایب و یک مزایه کثافت مسدور و باصداد این اوصاف طبیعی منتصف بوده باشد ار ای، است که یکی از حکمای معاصر مینویسد: گاهی بواسطه مداومت بر اصداد ممکن است یک امر طبیعی علمی باشد.

تا این اواخر حکمه دین مبین اسلام بواسطه نقد موازیه قانونی بعودت ضربت خود طارا نهید مینمود، و قدمت یک ملت و دولت شش هزار ساله اقراض رشته قومیت را بحدود دعوت مینکرد. ظلم کدونایک همیشه در حیطه درباریان خود سر برای اصداد دین و دنیا ذخیره شده اند. در این ایام باخلال امور مدنی و ملتی قناعت نکرده، در اهمای عقاید و ادیان فوق مسلمین دست اندازی، و در دستبگه کبرپای خدای انضولی نمودند.

چنانچه بعضی از جمله قوم واسطه سوء استفاده و حوب اطاعت سلطان را رکن دیانت اهل سنت و جماعت معرفی کرده، همان ما به الاشتراك ما و برادران اسلامی را اسباب تولید تفرقه قله بنده است. لایحه نمود خاطر اخوان اهل سنت را از ما مظلوم نموده اند و در مقام استدلال کربیه اطعموا الله و اطعموا الرسول و اولی الامر منکم را سند صحت دعوی خود قرار داده اند. در صورتیکه اگر تمام اسفار ملای اهل سنت و جماعت را در بر و دو کنند، اگر کافه کتب مصنفه را بحسن فی العلم را ورق ورق نمایند و اگر جمیع مؤلفات فضیله عصر اسلامی را در تحت امعان نظر آورند، ابدأ کلمه مشعر بر وجوب وجود سلطان پیدا میشود تا چه رسد بوجوب طاعت او. و قاطبه مفسرین دوره اسلامی اولوالامر را باجماع ملای اهل حل و عقد و اصحاب اعتبار و آراء دانسته اند چنانچه پیشاپوری در تفسیر خود لری صاحب اعتبار و آراء و جمیع کتب است ضبط کرده است و فقر رادی در تحت همین آیه فصل مشبهی را وسط داده، و مدعا صحت ما را بروشنی آفتاب مدلل میکند. برین رای سدید دلیل حدید اقامه نمایند و در نتیجه آن مقدمات مینویسد ان طاعة الله و طاعة لرسول و احبة قطعاً و عندنا طاعة اهل الاجماع و احبة قطعاً و اما طاعة الامراء و السلاطین فامر و احبة قطعاً بل لا کثر انما تکون بحریة لاهم لا یأمرون الا الظلم و ان ینویسند والمراد من اولی الامر العلماء فی اسح الاقوال لان الملوك بحسب علمهم طاعة العلماء و لا ینتکس مخصوصا کربیه ولو ردهه الی الرسول والی اولی الامر مهم لعلمه القین یتسلطه نه منهم که در تلوایه قبل است در صحت دعوی ما برای معترض شبهه و جای سخن باقی بگذارد. بر استلباط و استخراج امر از منابع کتاب و سنه از وظائف حقیقه علمای امت وره نیاید و ما در این مرحله تحقیق است و بس.

و آنکسی همان مقل کل، همان مدینه علم، همان مهبط فیوضات صادره از سق واجب معنی اولی الامر را تا حدی چند که متواتر از طرق مختلفه مرفوعه است توکید و توضیح فرموده و تمام آن احادیث را این حرب طبری در تفسیر خود در تحت لفظ اولی الامر ایراد کرده، که و جز آنها تمبیر آن ماری الفقه و العلم است آنانکه

منکرند بگو رو برو کنند در صورتیکه با معترض موهومی خود قدسیه همراهی کرده و مقصود بودن امر او اسلاطین را از لفظ اولی الامر تسامح نامحکم نیز میکنند درین صورت نیز موافق کربیه (و اذا حکمت بین الناس ان حکموا بالعدل) که مقدم بر آیه اولی الامر است اطاعت سلطان مشروطه بعدل او است. در صورت اتقاء شرط تکلیف مشروطه معلوم است.

خاصه عدم به تکرار لفظ اطعموا یا اولی الامر در کمال ساطت نماید بگوید اطاعه اولی الامر در تحت اطاعت خدا و رسول مندرج است. و اقیاد ملت تا وقتیکه که شخص سلطان در اتباع قانون کتاب و سنت خود را مسئول و ذمه دار بداند. در صورت استحضار و ضروریات دین اقیاد و اطاعه او حرام بین و یکوقت همان مأموره به قلب طاعت کرده منهی عنه خواهد شد گذشته ازینها حدیث صحیح اذا کان امرائکم خیارکم و اخیارکم - معائکم و امرکم تودی بینکم فظموا لارض خیارکم من بطونهم - و ان کان امرائکم شرارکم و اخیارکم بخیارکم و امرکم الی نساءکم فبطن الارض خیر لکم من ظمواها، برده بر انداز تمام بردها است و آیهائیکه اولی الامر را امراء سرابای عهد رسول نوشته اند بواسطه آنست که همان امرای ربه مسئولیت قانون را گردن نهاده و از اتباع جزئیات احکام کتاب و سنه تخلف نمیکردند (یعنی هنوز مرسوم نشده بود که سلطان خود سر باسم حفظ و مؤلف دین اساس اسلامی را منزل و احکام محکم الهیه را بدست پیودهای رویه قضی و بیت المال مسلمین را در کار ساده و یاده صرف نماید)

پس ما بصواب رسائیکه تمام دو نصف کره را فراگیرد با زبانی آزاد فریاد میزنیم که اصول دین مبین اسلام را بر اعتدالهای سلطنت جابره مابیت کلی دارد دقت و لطافت مسلک اهل سنت و جماعت ازین آلودگیها پاک و جز با اولی الامر بودن اهل حل و عقد و حکمت قانون کتاب و سنت اجازه نمیدهد. ما اهل سنت حاضریم تا آنجا که روح دیانت حقه اسلامی از وجوب وجود سلطان غر ندارد تا چه رسد بوجوب اطاعت او. ما حاضریم این نهمتهای فاسده که حب جاه طلبی

بحرص قرب سلطان . و هوای مروج الاحکامی علای
سوء را بدست اهلی در عقاید مسلمین وادار کرده
در کمال شدت رد و در جمیع انسانی همه آنها را
تکذیب نماید . ما حضرم این اشتها را با جموعه را
که متعاقباً بین بدیسی فروش سرطاب دکان داری
خود قرار داده اند تا آخرین کلمه جواب دهیم .

(حاجی شیخ بقا مظهر الاسلام کردستانی)

- زاری و شکایت ایران بر فرزندان -

(دور افتاده و مهاجرین خود)

ای فرزندان عزیز من، ای پاره های تن من، هیچ
در دل شما مینماید که من شما و بدو را با شما را
میپروردم ؟ بیاد شما میگردد که اسمهای گوناگون
خود را از شما دریغ نداشتیم و از ادوخته خود چه
اندازه برای شما خرج کردم تا برومند شوید اکنون
که روزگارم شب تار شد از آغوشم دوری جسته و
کناره گرفته اید که گاهی بیاد من مظلوم بستید هر یک
بناز و نوش کوشیده و از یاری من دیده پوشیده، این
آخر سزاوار نیست، دمی از خود بقی و خیال برزی
و خوش گذران فافل شده اندکی حال من نگردد
و دوطرف برای درد های گوناگون من کنید آیا
بیکانگان اگر مرا این بریشانی بی اندازه و شارا درین
اندیشه خود برستی و بعضی های تازه داند درباره
شما چه گویند، آیا پیش ایشان سر افکنده و شرمنده
نخواهید بود ؟ از یکجا در بدن من جانور های درونی
پیدا شده که مردم هزاران شکلیه ام کنند نصیبها و
عقربا پیش زنند کنه و زالو خونم میکنند کرمها و زنبورها
گوشت مرا خورند فرزندانم که در کنار منند در ایران
و مقربان دربار و وزرا و اوباش و وکلای خان را
دور نینکنند، تا خوشبهای مسری خون مرا قاید
کرده در همه رکها و شربانیام مکروب مرض داخل
شده پیکر مرا مسموم کرده بینی در باران راهها
و جاده های کشورتم را بدست بیگانه دادند که آمان
کم کم نفوذ کرده و امتیازات گرفته بکاره همه کشور را
بر آشوب و تصرف بکنند در گاهی است نگر آنم که
فرزندان نزدیکم دنبال چاره برآیند و مرا از جنگال
دزدگان و گزندگان بپرونی و درونی رانند اکنون
تا امیدم چه زدیکان فرزندانم فرزندانم بسم دزدگان

کشته و آوزان و از آغوش ما در وطن گریزن
شدند باز ماندگان برخی نادان و خلق ما راشد و باره
تا خلفان دنبال آب و بان و بدست دشمنان جان خود
نکران یک بارچه استخوانند نمی چند که در پرستاری
و نگاهداری مادر پیر کوشند از عهده خدمت برنیابند
مرض از طرف مستولی است دو مان هر مرض بحرص
دیگر زبان است، بدن سفت رنجور که ناب و توان
شکستن و بسقن دارد حرارت فریزه سکه اسباب
زندگایست مفقود که اش پیکر مرا هنوز پرستاران
از من دور شده میخواهند بخورند فرودان دل
سوزم سرگردانند روح رنجوری از مادر نیم مرده
کنند یا با دردگان لاش خوار بنجه در بنجه افکنند
باجار بشا میبایم که چاره و درمانی برایم حوئید و چند
قدم در راه رستگاریم بویید، شلبدام طبیبان دانا در
آنجا که رفته اید مستند از آنان در مام پرسیده و
دارویم ستانید بلکه نامی بجان و سرد نشده دوا و
غذای من و پرستارم رسانید نیز شلبدام آنها که
رفته اید کسانی هستند میگویند ما نوع بر زمین
و متحداً دشمن ستیم عدالت دوستیم ! من که باور
ندارم اگر چنین کسی هستند بایشان بگوئید که مام
یکه وقتی مانند شما بودیم و اکثری مادر ما به این
حال افتاده ما را یاری کنید که دردگان را از دور
بستر او دور کنیم که ترس و هراس حال بیمار را بدتر
میکند و با ترس و بریشانی خاطر هر دو او درمان بی
قاید، مینماید اینست آخرین سخنم بشما که امیدم از هر
جا بریده فرزندانم میدانند که اگر نیم احترامی دارند
یا کسی آمان را بر طرازی و نصیبی میشناسد ملاحظه
این ما در بیست اگر بی مادر شوند و گرد بیتی بروی
ایشان تشبند ارزش پیشری خواهند داشت چنانکه پس
از کریم خان زند که بی بدوشند بسیار از هزرت ایشان
کاست خواهر معزیم، آگاه بست که اگر در دنده شالی
مرا بخورد بوبت باو میرسد جنس آنچه خواهر مشرقی
مرا خورد اینک بوبت بمن رسیده گذشته از این یک
عصب من که سرش دراز را بجااست مرض قانقرا یا سیاه
شده از او دندان درنده شالی اگر زودی در درمان
این مرض که روی تو فرات است نفوذ کم کم سرایت
کند و اگر پیش بندی شود اثر این قانقره آیا میرسد
بکردستان و عراق عرب و حلبج فارس تا طاقبت او

قبائوس هند و فروگیرد خواهر جنون من با کمال عقل و فراست غم من نخورد عبادتم نکند کان ندارم فریب خورده باشد ندانم چه اطیبان از درنده شاهی دارد که آسوده است، آیا بداند که دستان این درنده چون بر پیکر من زخم رسانید و از اندام من خورد تناور و نیرومند میشود که هیچ تیر گردان او را نتواند شکست و هیچ تیر بر تن او کارگر نخواهد شد آنگاه بیک حله دست و پای همه خواهران را در هم خواهد شکست یعنی اگر دولت روس در ایران تصرف کند و ایل‌های دلیر رشید ابرار را رام و فرمان بردار کند هیچ قوتی از او مدافعه نتواند کرد. اگر چه امروز جدال و دفاع بطن و فنون سیاسی است ولی باز اگر قوت و رشادت و اسلحه با علم جنگ ضمیمه شود هیچ علم سیاسی با آن مقاومت و برابری نخواهد کرد. برهان روشن این مدعا آنکه خود دولت انگلیس در مرتبه لشکر بافغانستان کشید با علم و اسلحه تازه که داشت از افغان شکست خورد با آنکه افغان سیاسی و علم و اسلحه تازه داشت. پس اگر دولت روس دلیران ابرار را رام کند همه آسیبا و روبا را متزلزل خواهد داشت، مگر آنکه چین سر بلند کرده او را مقرر کند، این نکته باید پوشیده بر انگلیس باشد ولی مبدا در زیرکانه هم کاشه باشد که ما بدانیم پس ای فرزندان رشید که در اروپا و خارجه هستید چرا مرکزی درست نمیکند و برای مشورت بیکجا جمع می شوید و تکلیف ملت را پیش نهاد نمیکند، دانش و تحصیل شما که از تروت ملت یافت شده چه وقت فایده خواهد داشت روری شود که زبان و نتیجه این اهل و خاق را می پلید ولی یقیناً فایده ندارد

(انجمن برادران ایرانی مرکز اسلابول)

واقعات پوشهر

(۱۷ ج ۱)

همینقدر بدانید که مفسدین آخر خیال خود را در دخالت نای اجاب قوت داده تنگستانیا را دهرت نموده امروز که یکشنبه ۱۷ شهر جمادی الاول می باشد جماعتی از اشراک که دیشب تا چنبرخی شهر آمده، هر یک خانه را که همارت آن بلند و برج داشته بدستیاری

سرکرده های اشراک که اغلب گرگ بره نام هستند ساکن شده و از این طرف دو روز قبل جناب امری بالای خانه خود اعلانی جسیانده بود که روز ۱۷ باید در این خانه انتخاب و کلاه مجلس عمل بشود و هر کس از آمدن اها کند سزای او داده میشود، معلوم شد که تدارک شهر و بیرون از بی چشمه آب منبذورد

خلاصه صبح یکشنبه اهالی شهر و اهل بازار که یکدفعه مختصر مدتها وقارتی از تنگستانیا دیده بودند جرئت دکاز باز کردن نکرده اغلب در محل حکومت حاضر و اظهار خوف کردند، حکومت آقایان اهالی انجمن را طلبیده اول اظهار استغفار کرده جبهه پرسیدند گفت الآن باید تهیه توب و سر باز و تنگکی و جعبیت دیده و بکلی دیشاری در میان نیست، اداره کرد هم که هیچ نمیدهد مالیات هم که یک پول کسی نداده و نمیدهد در این صورت که الآن جمیع شهر در خطر و نزدیک است دوباره سر طبر پیاده شود غیر از استغفا چه چاره دارم، در این گفتگو بود که خبر رسید تنگستانیا اغلب سنگر بندی کرده و در بعضی خانها ریخته تصرف کرده اند مردم محاکم گفتند حالا محل تأمل نیست فوراً علاجی فرماید که رفع مخاطرات شود ما تا جان داریم دست از دامان شما بر نمی داریم فوراً توب و سر باز و جعبیت و تنگکی حاضر کرده هر نسیم و هر جا بود و هر قیمت فتنگ خرید، تنگ تهیه کرده فرستادند بیرون، قبل از رسیدن اردو تنگستانیا بنای دهر او گذاشته بودند، مختصر ناکلون که دو ساعت بیروپ ماده باختلاف روایت از طرفین قریب بیست الی سحر مقبول شده از این طرف آقای امری هم تهیه و تدارک نوری دیده از فتنگ و تنگهای که از گمرک رده بود حرورار حرورار روی هم ریخته باسزاه خود قسمت کرده حوالی کوچه و خانه خود حوقه جوته آدم نشانده و هر ساعت خبر میرسد که گفته جنین و چنان خواهم کرد و کسی نمیداند که آبرو، مقصود آقا چیست، چون از وقتی که دریا پیک و جناب آقا سید اسحاق وارد این شهر شده اند هر قسم که صلاح خود آقا بود خواستند اصلاحی شود باز آقا ایراد دیگر کرد تا آنکه کار باجها رسیده بطدا رحم کند

واقعات اصفهان وقایع نکرم
(۲۰ ع ۲)

با حضور سردار اسعد با تبریز چند فقره مخارات
حضوری شده است ، و تبریزیان در جواب قطعی
دوسه روزی مهلت خواسته اند ، تا مذاکرات خود را
با طهران تمام نمایند از قرار معلوم در موضوع چند
فقره شرط که از طرف شاه تا اطلاع دولتی شده است
حذا کره در میان است طرف شاه مستقبا تبریز است
حدس بعضی بر آن است که بالاخره همانطور که دولتی
دربار را با عطاء مشروطیت مجبور ساختند ، ملت را
هم میتواند قبول بعضی شرایط مجبور کنند و خواهند
کرد ، الحقیق توفیق که از دولتی اقدامات ملی در
داخلت میده بودم تا این قول همراه نبودم ولی حالیه
حراحتی را میدهم ، همین قدره بعضی رقیبه جات حضرت
علی اطمینان حاصل میشود که فرموده اند ، تجاوزات
دولتی تورا معوش ندارد ، ولی باز مرقوم رفته است
از نادانی و جهل رؤسا باید رسید الحقیق جای ترس از
همین جاست دخالت دولتی هم تا هر جا و هر اسم که
رسیده است علت همان نادانی رؤساء است ، این ترس
و تشویش را باید از صفحه جنوب پیشتر داشت که
هر چه کرده اند خالی از مضرت نبوده است

حرکت قزاقان روس را محاب تبریز در همان
دو روز اول قوسول مقیم اصفهان رسا مرکز قوه
عبره و ایمن ولایتی اطلاع نمود که اعلیحضرت
امپراطوری محض خیرخواهی نوع و سیانت اهالی تبریز
از گرسنگی و سختی دو هزار ترقی و آذوقه ، امور
تبریز فرموده اند ، نه ما دولتند نه ما ملت ، کاری نگار
کسی ندارند

عجب است که در اجتماع بعضی از زندان سیاسی
دان ما این اعلان رسمی را تکذیب کردند که محال است
روس چنین کاری نکند تا بالاخره معلوم و محقق شد
که چنین کاری کرده ، ما را نطق (سرادوردگری)
حفظول میدارند و خود مشغول کار خوداند

در هر صورت هر چه بشود از نادانی رؤساء است
همانکه دولت ظاهرا چند قدمی پیش آمده با او را
پیش آورده اند ملاحظت سرداران و رؤسای ملت در
این موقع محض التیام و حفظ استقلال نظر لازم می آید

اگر باقی مستدعیات ملت در حال آشتی صورت پذیرد
و حالت قهر و انفعال پیش از این طول نکشد صلاح
حال استقلال ایران است ، نمی دانم طالب قبولی است یا فکر
صائب ، نظر ارادتمند این همه کشمکش ها بتأیید
دولتی تا اینجا رسید که براسی و ورود بوشهر و تبریز
پناه بدست آید ، دقت و ملاحظه در این موقع حقی
تفنین ملت است

ماری اخبارات اصفهان این دوسه روزه از این
قرار است که اردوی مجاهدین کافی السابق در خارج
شهر است و مشغول تهیه حرکت طهرانند ، تاکنون
قریب شصت هزار تومان رای مصارف مجاهدین از
طالبات گرفته شده ولی حالیه رای حرکت بطهران پول
نیست ، قرار شده است از تجار قرض نمایند و بعد از
طالبات گرفته مسترد دارند ، بعضی میگویند این مبلغ که
سی هزار تومان است گرفته شود و بمصارف غیر معلومه
رسد و باز پس فرکاها تا وقت بی پولی باشد ، ولی
بوجود سردار اسعد رفع بعضی نواقص را منتظریم
امید است این شخص محرم مجامده رسمی بدهد

قشون دولت در بین کاشان و اردستان توقف
دارد معروف است از سه سالار امر شوقیف آمده است
دهات ظل السلطان مسی و (برود) را ناصر امیر
مفخم حضرات خواجه ها چاپیده و قارون کرده اند ،
سردار محترم هم عده سواری محابیت را در کاشان
فرستاده ، پسر سردار ظفر در راه تبریز مابانی پول
دولت را که براسی قشون عین لوده مبرقه گرفته
و مخفیاری آمده ، دوازده هزار تومان معروف است ،
دیروز تصویب آقا میرزا ابراهیم خان و محمد خاقان
تلگرافی صادر است بطور سختی که حکما باید
شرایط مرتفع و قانون اساسی و تغییر مجری باشد ،
جواب هنوز نرسیده است

امروز مبارک روزی است دستخط مابوزی در
اعطای مشروطیت موافق همان قانون اساسی بدون ذره
ک و بیش صادر شد

صدور این دستخط معلوم است از خارج اقدامات
حضرت سپه دار اعظم است که قزوین را گرفته بطهران
داشت چه می آورد در هر صورت آنچه در مقام لفظ
وقول تصور میشود اعلیحضرت همراه شده و مشروطه

را داده است و امید است در مقام فعل هم برخلاف
ماضی ملق بر ملت بگذارد

۲۰ ربیع الثانی امروز از تبریز تلگرافی رسید که
مفاسد ما بر آورده شد ولی قشون ملی و استعداد را
متفرق نکند تجاوز هم نکنند هجائاً حضرات بختیاری
با هزار زحمت یکمتری میخواستند حرکت کنند ،
بمهران هم تلگراف کرده اند ، که قشون کاشان را
هوت دهند ، و الا تیل بختیاری را از حرکت نمیتوان
کامت نمود

تلگرافی دیگر در حواپ تلگراف دو روز قبل
اصهان از اعیان حضرت رسید دخیلی واضح و مشروح
است سواد در ورقه علیحده است آنچه مقتضی امروز
بنظر می آید نایب قلوب طرفین است یعنی مطالب
برخلاف ماضی با زبان ملایم و قلم نرم باید این خرق
و کسبستگی را ایتام بدهند هیچ ضرر ندارد جالبه
در بای ملت لجه همیشه درشت سخن را مصلحتاً
چندی کنار بگذارند که هرگز فرض نشود صیحت
ارباب قلم ما آمده مدسه است

۲۱ ع - امروز از طرف فوسولگری انگلس
اعلان مطبوعی منتشر شد که اعیان حضرت هجائی مستعدیات
روس و انگلیس درباره اصلاحات و استقرار مشروطیت
کامی قبول فرمودند سمدلوله هم کابینه ورور از
حرب ایبرال تشکیل داده ناصر الملک بریاست وزارت
معین گردید

این اعلان خبر درم سیاست رسمیت قبول
اعیان حضرت را ثابت مینماید انشاء الله همان رسم است که
در مکاتب شخصی سرورم فرموده اند ، ثابت ایران
بودن است ولی اول کار و اول رحمت حالات از
آنوقت باید ترسید که اخلاق فاسده ما باز رنگ
زردی می آورد ، و از طرف هم نبودن آدم کاری در
ایران امر را معوق میدارد ، حالا باید ما مجله نام راه
درست را نشان رونده درست داد

در اردوی دولتی هم آنچه محقق است حالیه را
در نزدیکی اردستان توقف دارند و از اطراف و بلوکات
اصهان تدریجاً حیل ملحق باردوی دولتی شده اند ،
شهاب السلطنه هم با چهار صد بانصد سوار از طرف
قش، بطرف اردستان رفته است ، انشاء الله همین دو

روژه خبر ارجاع اردو خواهد رسید

حضرات مجاهدین اظهار میدارند در هر صورت
باید تمام مالیات اصفهان با برسد زیرا کار از دوستی
خارج نیست یا بمهران میرویم یا همین جا خواهیم ماند

تلگراف هجائی بطا و اعیان

« و ملت اصفهان »

(۲۰ ع)

سواد تلگراف

جناب مستطمان شریفمدار حبیبی لاسلام آلهای
عینی و آقا شیخ نورالله دامت برکاتها و سایر مالای
اعلام و اعیان و خوانین و تجار اصفهان ، تلگراف شما
ملاحظه و معلوم شد ، حسن بیعت قلبی ما را در استرضای
قلوب و استحصالی مقاصد ملت ملتفت نشده اید ، لهذا
توضیحاً مینویسیم که چند ماه تعطیل مجلس شورای ملی
که بحکم ضرورت پیش آمد اساس مشروطیت را در
ملکت مختل ساخت ، تا ایجاد قانون اساسی دیگر لازم
آید ، قانون اساسی ایران بر روی همان بجه اصل که
سابقاً ماضی شهنشاه معرور انارالله برهانه رسیده و
یکصد و هفت سال که لاحقاً ماضی ما مصدق شده
باید درست ، و اگر تغییر اصلی از اصول آن معنی
شود فقط بعد از اصدار و تصویب مجلسین موضوع
بحث تواند شد ، چه از کار آگاهان متمم دولت و
ملت مشغول ترتیب نظامنامه انتخابات هستند بروی
اساس صحیحی که معمول در ملل متقدمه عالم است و این
دوسه روزه منتظر خواهد شد ، باینندگان ملت باید
مرفق نظامنامه آخره رجب منتحب و در طهران
حاضر شده باشند ، یعنی هرچه زودتر ممکن شود انتخابات
به ملی آمده همین که دو نلت نایندگان ملت در طهران
حاضر شدند مجلس شورای ملی بمبارکی در طهران
افتتاح خواهد یافت ، بعد از این تصریحات البته باره
اشخاص را بهاء نخواهد ماند که اغراض خود را در
نظر انبای وطن لباس ملت پرستی پوشانیده در خرق
بین شاه و رعیت اقدام نمایند ، پس اشفاق قلبیه و مراحم
ملوکا ما را بر هموم رعایای آن سفهات که بنزاع اولاد
گرای هستند ابلاغ نموده مصلحت اتحاد دولت و ملت
را در مقابل خطرات و خطبه که از غایب خانگی

تولیده شده از نظر دور نداشتند، که ارکان اسلامیت و ابرایت در روسیه میان اتحاد ثابت و استوار تواند ماند ۲۰ ج ۲ (عهد علی شاه قاجار)

ترجمه منچستر گارجین

(۲۵ ج ۲ . ۱۹ ص)

قانون انتخاب وکلای پارلمان ایران همین دوسه روزه تکمیل خواهد شد اصول انتخاب طبقاتی مرتفع و طریقه اعدادی اجرا خواهد گردید، بعوض شصت - دوازده وکیل برای طهران انتخاب خواهد شد، اندک اندک آثار اصلاح در تمام ایران نمودار میگردد، کبیته ملیه که براساس ترتیب قانون تشکیل شده از اقداماتشان ملتیان خوشوقتند

شنیده می شود که پس از تکمیل قانون انتخاب وکلا بدو آرد رؤسای روحانی نجف خواهند فرستاد و پس از صحت آنها برای امضای شاه فرستاده خواهد شد ۲۰ مینویسد - شش ماهیکه روزنامه طمس دیروز درباره ایران نموده این قدر پیچیده است که هیچ از آن مفهوم نمی شود، طمس میگردد و بدو می شود که معاملات بین شاه و رعایا بخوبی انجام یابد، شاه حکم به ترتیب قانون انتخاب وکلا داده و این اولین بار اجرای پارلمان است، و ضمناً هم شرایطی بین شاه و رعایا شده می شود در صورتیکه ایرانیان اصول سلطنت خریه را یاد بگیرند (چنانچه روسها یاد گرفته) و بدانند پارلمان جای انکشاف قاضیات ملکی است نه غیر آن

باز مینویسد امروز مایه خوف احرار قزوبند و آنها آرزو میکنند که این سلسله قطع نشود و این مقام از آنها سلب نگردد چه جماعتی از آنها این امر را پخته خود فرار داده اند، این بود سلطان طمس درباره ایران

اما آنچه را طمس در اتحاد و موافقت شاه و اهالی مانع تصور کرده همارا اردوی قزوبند است و الحقی در این مقام کمال بی انصافی را نموده و جای تعجب این است که در این مقام در موافقت امنیت ایران هیچ ذکری از قشون روس نموده، تا چند هفته قبل

مستکه که در میان بود اتحاد شاه و رعیت بود ولی امروز مستکه ایران دو پهلو پیدا نموده و عمده آن عودت دادن قشون روس است از ایران

وقایع نگار طمس گویا ابداً ذکری از روس که ایران را بخوبی تصرف است نمی نماید و همواره خبرهای معمولی را آن هم با پیرایه میفرستد، امروز در دماغ اهالی ایران و مطالبات آنها جز بیرون نمودن حاکم خارجه چیزی نیست، اگرچه حرکات شاه و رعایا توأم بطرف صلح نمودار است، ولی بنظر سیاستمدان هنوز منزل مقصود دور است، و تا قشون روس از ایران خارج نشود اتحاد بین ملت و دولت محال است چه این نکته در دماغ آنها جای گرفته که این قشون دعوت شده با ایران است

طمس می نویسد که شاه قبول نموده است مفهوم را به مجرمین بلتیک و همین وزراء را از ملت خواهان و ترتیب قانون جدید انتخاب پارلمان و برقراری همان قانون اساسی اولیه، ازین چهار دو مطلب آن بوقع اجرا آمده، سومی هم اظهار شده است که تا مشروطیت همه نگذارند و منظور نکند بطبع نخواهد رسید (یعنی قانون انتخاب) چهارم که افتتاح پارلمان باشد خیلی دقت طلب است چه ملتیان همان لزامی را دارند که بسبب آن الزام عبدالحمید خلع گردید، (یعنی تصرف و تغییر در قانون اساسی) - باید دانست که قانون اساسی ایران دوحصه است، یکی در سوم دسمبر سنه ۱۹۰۶ و دیگری ۷ اکتوبر سنه ۱۹۰۷ امضا یافته آخرالذکر نجات دهنده ایران است، و در آن ضمانت میکند جان، مال، آزادی تقریر و قلم و افکار را، قانون اساسی اولیه شالوده پارلمان را گذارده و متمم آن مشروطیت را محکم و تمام وزراء را مسئول قرار داده است، اهالی ایران تمام همشان این است که هیچگونه تصرفی در قانون اساسی و متمم آن نشود، ولی فرطیکه شاه صادر نموده کاملاً ناطق بر این امر نیست و اگر درین موضوع مخالفتی پیش آید نمیتوان الزامی به ملتیان داد، احراریکه از جان و مال خود گذشتند تا پارلمان صحیح نگین آرام نتواند نشست

طمس مینویسد: ملتیان باید از تمام امور صرف نظر نموده گذشت را فراموش نمایند، ولی آنها نیکه با

هزاران زحمت و جان کندن و با صدقات و الخیات و خسارات زیاد جزوین رسید. چطور میتواند ناوقتیکه شاه بوضع خود وفا نماید مراحت نمایند

دو امر دیگر نیز در این جا هست که شاه باید حتماً انتظام نماید. یکی دور نمودن مستبدین از دربار، و دیگر سلاح جینی قشون بر نظم دولت که غیر اردزوی کاری ندارد. شروط اهالی و خواهشات آنها بسیار است و وزانۀ طمس هم آن خواهشات را خواطر خواه مینویسد. پس شاه راست که در تمام امور همراهی با ملت نماید و آنها را آسوده گذارد و مواهید خود وفا کند ملتبان بلکه خواهش بسیار مهی رشا نهوده و او را اولین خواهش خود قرار داده اند و آن بیرون کردن قشون خارجه از سرحد ایران است. آیا این امر ارفقه شاه به توان خواهد برآمد یا نه؟ مسلماً تا وقتیکه قشون روسی از ایران بیرون برود امنیت در ایران قائم نخواهد شد

دولت روس را هم لازم است که بر حسب قانون بین الملل فدوی قشون خود را از ایران خارج نماید، و هیچ قائده مانند قشون روسی در آذربایجان با سم نگاهداریه امنیت جائز نیست. این نکته را نباید فراموش کرد که معاهده دولتین روس و انگلیس دولت ایران را اطمینان داده و دولتین باین وجه در بوشتجات روسی خود قرار نموده اند. فقط دولتین انگلیس و روسی مداخلات نخواهند کرد در امور داخله او بلکه نخواهند گذاشت دولت دیگری نیز مداخلات در امور داخله آن نماید و حق اینست که خارج شدن قشون روسی از ایران در چنین موقع مصلفاه هم لازم است. ولی تاکنون چیزی که دیده می شود خیال روسی است در حرکت دادن قشون خود از ایران. درست اگر دقت شود دیده خواهد شد که قشون روسی فعلاً نصف ایران را تصاحب نموده است

۲۵ مینویسد: - خبریکه از طهران رسیده امر بسیار مهمی را حاکی است. یعنی امروز اهالی شاه اشاعت خواهد داد که در آن تصریح شده باشد تا وقت ناموسی و منعم آن که داری (۹۵۵) فصل است که بدون هیچگونه تصرف در آن موقع اجرا خواهد آمد. در این تلگراف ظاهر می آید که کمیته از ملتبان

تشکیل یافته که در اصلاحات امور مشغول و تمام اهالی را اطمینان میدهد که حکومت همیشه تازه را بگذارد بکارهای ملی انتظام داده باشند و امنیت شهر را بدهند

۲۵ مینویسد - مسئله استقراض ایران از روسی درین موقع و محض دادن مواجب قشون است و برای انجام دیگر از امور ضروریه ملی تمام این تشبیهات مبنی بر قدمات سری است که دامایان روس می دانند. چنانچه در این چند روزه شنیده می شود که قشون دولتی از هر طرف درگاشان ورود و در مراکز دیگر نیز جمع آوری می شود. و تمام توجهشان همه را اردوهای ملی اصفهان و قزوین است. و کلیتاً این تدبیرات منسوط باین استقراض است. پس میتوان گفت عرض اصلی این استقراض شکستن گره مشروطیت است و پس حالا باید دید دولت روس را ازین قرضه که میدهد چه فائده حاصل خواهد شد؟ مسلم است دولت روس در شرایط این استقراض اختیارات مالمه ایران را بکم خود خواهد گرفت. بلکه زیاده بر این ها را خواستگار خواهد شد. در اثبات این مدعا عقاید بعضی از جراد روسیه که دستگیر میباشیم کافی خواهد بود که روس درین موقع نازک چه میخواهد

یکی از جراد روسی اظهار میدارد که اولین نکته که دولت روسی در ایران الا رفته دخالت مصلفاه در آذربایجان است

(توبوریهیا) مینویسد دولت روس بدون دقیقه فوت وقت باید قشون خود را وارد طهران نماید

الجار (سلوو) قبضه طهران را بعد از تصرف نمودن اصفهان و مقاطعات دیگر که در حصه روسی بر حسب تقسیمات معاهده وقع شده ضروری می پندارد و صاف مینویسد دولت روس باید حصه خود را از ایران محو از قشون بنماید و عاجلاً قبضه خود در آورد. با این بیانات آنها در چنین وقتی استقراض از روسی مسلماً مزید بر جنگ خانگی ایران خواهد شد و در آن صورت مداخلات روسی در ایران لازم خواهد آمد. و آزادی بکلی از ایران سلب خواهد گردید

۲۷ می نویسد. (ستر مکنن وود) معاون وزیر خارجه در شوراسیه ملی تصدیق نمود خبری که از ایران رسیده و این تصدیق مزید بر مشکلات گردیده چه مشارالیه میگوید دولت روس این قرضه را بقاء منفرداً بدون تصدیق و منظوری انگلیس خواهد داد و حال آنکه ۲۳ فروری در شورای ملی (سرادوره گری) وزیر خارجه رسماً چنین اظهار داشته بود، دولت انگلیس بیچوقت قبول نخواهد نمود قرضه را بشاه تا وقتیکه مجلس ملی ایران او را تصدیق نماید، اینک برخلاف اظهارات سابقه خود بیان تازه پیش نموده

(ستر مکنن وود) هیچ سببی برای این قرض بیان نمود، و این امر لازم به بیان نیست که اگر استقراض بشود پارلمان منعقد میگردد، حالا که گفتگوی نظام مجلس درمیان است آیا نمی توانند چند روز دیگر صبر نمایند؟

(ستر مکنن وود) در پارلمان اظهار داشته این قرضه را که روس میخواهد بایران بدهد محض برقراری پارلمان و ادا به منافع دولت انگلیس حاصل وارد می آورد، آیا در اینجا (ستر مکنن وود) آگاهی حاصل نموده که قبل از گفتگوی این استقراض مسئله انعقاد پارلمان تصفیه شده بود، و بموجب بند (۲۵) قانون اساسی دسمبر ۱۹۰۶ هیچ قرضه بدون مجوز مجلس ملی دولت نمی تواند حاصل نماید، و درحقیقت این استقراض اگر واقع شود قانون اساسی ایران را شکنج است و بزرگترین عهد شکنی ها را نموده اند

باز (ستر مکنن وود) اظهار داشت که نگرانی قرضه را که روس بنامت بدهد رسماً دولت روس ذمه دار خواهد بود که مجامعی غیر ضروری صرف نشود و نماینده دولت انگلیس را در طهران هیچگونه تصرف و اختیاری در این امر نخواهد بود، این ضمانت و کفالت منفرده روس بدتر و همین عین مقصود شاه است

ترجمه دلی نیوز

(۲۷)

جوابیکه دیروز از طرف اداره خارجه در جواب سؤالات راجعه بایران در پارلمان داده شده مزید تردد

گردیده است، چه اجوبه مذکوره ظاهر میدارد که دولت روس آماده گردیده است قرضه بشاه بدهد و مصارف آن قرضه تحت نگرانی روس و فرانسه باشد، منجمه مصارفی را که معین نموده اند یکی دادن تمهات بشون است، ولی نباید فراموش نمود که دولت انگلیس در ۲۳ فروری در پارلمان رسماً چنین بیان نموده است تا مجلس شورای ملی ایران صحه نگذارد قرض دولت داده نخواهد شد و روس هم در این اصول با ما موافقت دارد ولی حالا ما ملاحظه میکنیم فرق بین مساعدت اصلی و عملی را که دولت روس اصلاً با ما بدون قرار داد شریک بود نازم عملاً مخالفت کرده میخواهد بشاه قرض دهد

همان ایامیکه قشون انگلیس در بوشهر وارد شد قشون روس هم داخل تبریز گردید، و رسماً اظهار شد که این تدارکات موفقی است، قشون انگلیس از بوشهر بیرون آمد، ولی تا کنون قشون روس در تبریز موجود است و میتوان گفت که این حرکات یک گوه پاشی بود که اصل مقصود بطور دیگر تراوش میشود، عجب تر آنکه اینک قشون روس دارد انتظام ملکی می باید و در تمام سوره آذربایجان گویا قانون نظامی (مارشل لا) اجرا داشته است، از همه ما حزمه تر اینکه از رئیس ملتبان یعنی ستارخان مطالبه خساره راه حلفا را می باید، و حال آنکه این سردار دایر بزرگ شجاع ملی همیشه در حفاظت جان و مال رعایای خارجه کوشان بوده است

سر ادوگرگی کفالت خود را در امور راجعه به ایران نگاهداری نمود، ولی با نهایت تأسف می یابیم که شوالست نیک نیتی روس را درباره ایران که همواره مدعی بود قائم دارد، اخبارات روسی این مسئله را پوشیده نداشته اند که دولت روس در ایران مد نظر دارد و در مجموع تارک حلب منافع خود غرضانه از ایران میخواهد،

در بوم قبل ستر (حریس) چنین نوشته (انگلیس) فقط میخواهد در مقابل پیش قدمی های آلمان قوای خود را در وسط آسیا محفوظ دارد، ازین رو مجبور است اعتراض نیم روسی به مسئله سیاحت روس که تدارک میکند دربرده خساره را که در

جمهوریایا دیده از ایران حاصل کند نباید ولی از جواب امروزه وزارت خارجه آن اعتراض نیم رسمی هم گویا مرتفع گردید و دوخبریت مطلع ایران را برای پیشرفت فکاسه روسیان صاف نموده است

ترجمه مارتنگ ادور تايزر

(۱۷)

کیتة مرکب از ۲۵ نفر دایلمت ملت بلوای و اعضای پارلمان سابق در طهران تشکیل یافته که هم تکمیل قانون انتخاب وکلای را بخانند و هم بهمدستی وزرا برای آرام نمودن ملت و اطمینان اهالی اقدام کنند ، وزراء اطلاعات عهده داده و قانون ترک سلاح را در طهران جاری کرده که مردمان مسلح در شهر ننگرند ، و قانون صرفی هم در طهران جاری نموده اند که هرکس بیورث انقلاب شود فوری بسزایش برسانند

مینویسد - خبرروتر از پترسبرگ خبر میدهد که بموجب تلگرافیکه از طهران به اخبار (روس) رسیده مجتهد بزرگ شیخ بیادشاه انگلیس و امپراطور روس تلگراف نموده و اظهار داشته که در طهران اهالی خارجه در کمال آسودگی و جان و مال آنان در حفاظت مانده و خواهد ماند ، لذا از دول همجوار خواهشمند است ، اینکه که میبود کارها بروفق انتظام آید مداخلات در امور داخله ایران رضا ندهند ، که خیلی مضر بحال ملت و ملت ایران شناخته می شود

اخبار (روس) مینویسد که جنرال اسنارسکی قسمی هو آذربایجان سلوک میکند که گویا درخلاف روسیه است و قانون نظامی جاری داشته و دولت روس را در تمام ایران خاصه آذربایجان مقهور خس و طام ساخته است

ترجمه مارتنگ است

(۱۷)

کاروان در راه جلفا و تبریز با کمال امنیت آمد و شد مینماید ، انجمن املتی تبریز وجه تاوان و دعوی مجروح شدن یک از سپاهیان روس را که جنرال اسنارسکی بمشور برداخت

۲۶ مینویسد - رئیس اعظم ملتبان تبریز و سردار احرار (ستار خان) بشاه تلگراف نموده و متنها درجه شصت و گزاری خواستند از عنایت ملوکانه که بشروطه را مرحمت فرموده اند و مجلس را منقذ مینماید

اظهار داشته و ضحاً بیان کرده است که چون خدمت وطنیه او بانجمام رسیده ازین و بعد بطف اولیة خود که ذراعت است باز گشت خواهد نمود شاه در جواب مجید زیار از وی نموده و عهدی بزرگی باو داده است

رحیم خان قالیبایرا که به دزدی فراهم نموده بود در آن طرف سرحد بتمیت نازل بفروشی رسانیده و وجه آن که هزار و پانصد لیره بود فتنگ خریده آفت فتنگ ها بدست روسیان اوقتاوه و ضبط نموده اند شاه بتوسط سمدالدوله وزیر خارجه انکار نموده است که غیرالسلطه را فرمانفرمان آذربایجان جدا تعیین نتواند نمود و عتاً بیان شده که چون غیرالسلطه از آغاز حکومت خود طرفداری از ملت نموده نمیتواند اورا بحکومت آذربایجان نامزد نمایند

چنان معلوم می شود که درین قانون انتخابات ۴۰ نفر بمعیون آذربایجان خواهند بود (برخلاف سابق که دوازده نفر بودند و این امتیاز تاریخی برای اهالی آذربایجان خیلی ضرورت بود) و همه در انتخاب وکلا خواهند نمود

کیسیون بریاست معیر طالبه که از فرانسه اجیر شده بود متصد شده که ضروریات فعلی طالبه را تسجیده و ملاحظه نمایند که مبلغ صد هزار لیرانی را که روس بعنوان قرض میخواستند بشاه بدهد کفاف مصارف ضروریه را میدهد یا نه ، همینکه ملتبان ازین واقعه آگاهی حاصل نمودند بموجب فصول قانون اساسی که اجازه قرض جز باامضای پارلمنت نمیدهند سخت پروتست نمودند ، سمدالدوله جواب داده است که این استقرائش تصرف و مداخله در قانون اساسی نیست چون بنیر از موجودی بول کارها پیشرفت نخواهد مسکرد این اقدام موقتی مخالف باقانون اساسی نخواهد بود

امروز سمدالدوله وزیر امور خارجه بسپه دار اعظم فرمانفرمای گیلان حکومت روسی و انتظامات ملکی آنها را رساه خواست سپارد ، سپه دار از قبول حکومت روسی عندر آورده و بهانه گوشه نشینی و ضرورت استراحت را پیش نموده است ، ولی بسیاری انکار سپه دار اعظم را معنی بر این میدانند که منتظر فروشی عهدی جلیلی می باشد

جبلتین

جز مقام سپهسالاری و وزارت جنگ هیچ عهده
برای سپهسالار اعظم زیننده نباشد

ترجمه طمس لندن

(۲۴ می - ۱ ج ۱)

وقایع نگار ما از طهران خبر میدهد که دولت روس
این روزها مصمم شده است صد هزار ایرا در ضمانت
گمرکات ایران بشاه دهد، و برای مصارف آن بانک
مخصوص تشکیل خواهد شد که مرکب باشد از نمایندگی روس
و رئیس بانک استقراضی و (مسیو بروت) مشیر مالیه
ایران (که از فرانسه طلب شده و تاکنون هیچ کاری
پاوسپرده نیامده) و یکی از اهالی ایران برای نگرانی
مصارف این قرض در مواد لازمه، مسوده شرایط این
استقراض پنج روز است بدولتبان پیش شده هنوز بصره
نرسیده ولی مطالبه وجه مذکور را همه روزه از بانک
استقراضی می نمایند، حصة زیادی ازین وجه در مواجب
پس افتاده قشون صرف خواهد شد که در طهران
و تبریز اضافه گذاشته شده و آنها را مرخص خواهند
نمود، اگر چه این مصرف مطابق با میل اهالی
خواهد بود، ولی خلاف قائده است که براسیے چنین
امور جزیه قرض رسمی شود، منجمه شرایطی را
که روس نموده این است که بعد از دادن قسط اول
اقساط دیگر داده نشود تا اطمینان کامل حاصل آید
که قسط اول در مصارف ضروری که برای آن قرض
شده بود خرج شده است.

با نهایت افسوس ملاحظه می شود که دولت روس
در دادن قرضه کار روانی مینماید، با وجودیکه کرارا
اظهار شده بود وقتی قرض ایران داده خواهد
شد که مجلس ملی بر آن همه گذارد و قبول نماید،
درین جا هیچ سببی دیده نمی شود که او دارد دولت
روس را در شکستن قرارداد دولتین، از اظهارات رسمی
وزارت خارجه ظاهر می شود که سفر روس مقیم طهران
مأمور بوده است که با سفیر انگلیس درین طایفه مذاکره
نماید و باو بضمائم که برای چه این اقدام شده است،
ولی هیچ شبه نیست که شاه بعد از حاصل نمودن این
قرض بر اقتدار خود خواهد افزود، و خوبشتر را
در مخاطرات عظیم خواهد انداخت، و طبعی سخت
برای پارلمان که خنریب باید ملتقد شود پیش خواهد
آمد، گویا قرار بر این شده است که اگر زیاده بر آنچه
گفتگو نموده اند وجه لازم آید دولت انگلیس نیز

اقدامات لازمه نموده فرسخت خواهد نمود، آنها
و قلیکه ثابت شود که از تأییدات مالیه داخله ادوات
ایران اصلاح نتواند پذیرفت، آنوقت دولتین انگلیس و
روس منقفاً تأیید مالیه ایران خواهند نمود که حیثیت
مالیه او قوت گیرد، چه غیر این چاره برای استقلال
ایران ملاحظه نمی شود

حالات کلونی ایران تا درجه ترقی نموده است،
اردویشیکه در کاشان تریب می شد و نوشته بودیم معنی
بر تفسیر بود که سابق در طهران کتیده بودند، اینک
از آن خیالات باز آمده و حکم شده است که قشون
مفترق شوند،

وقایع نگار ما از پتربورگ خبر میدهد که بعضی
الخبارات در توقف قشون روس بحث نموده فساد
زیاد برای آینده تصور می نمایند و چنان اظهار میدارند
که این امر بتصدیق پیوسته که دولتین انگلیس و روس
در حرکت و سکون قشون آذربایجان متفق اند

(۲۷ می - ۷ ج ۱)

در اکثر مواد قانون انتخابات ملت اتقایی با دولت
ندارد ولی تا فردا امید است رفع مناقشات بشود و
قانون مکمل گردد، خیالات عامه براسیے امور آتی
مشکوک معلوم می شود ولی این مسائل جزئی و جزوی
رفع تواند شد آنها بعد از انعقاد پارلمان

احرار قزوین برخی خواهشات عجا می نمایند، و
هرچه زودتر ممکن شود که آنها از شهر خارج شوند
مردم آسوده تر خواهند بود

سید مرتضی در بوشهر خیلی اهالی سده می رساند
بدست برد اولیه خود قناعت نکرده باز هم مصمم
مخالفت با حکومت است، تا زود است او و دیگران
را که بانی فساد معلوم می شوند باید از شهر و اطراف
آن بیرون نموده تا بوشهر امن شود

الواه است که بختیارها کم کم دارند از اصفهان
بیرون می روند البته اصفهانها از رفتن آنها آسوده
خواهند شد

(۲۸ می - ۸ ج ۱)

ایرانیان تا کلون بشرایط سخت قرضه روس رضا
نداده اند، ولی چون فروض سابقه که ایران داده شده
بود هیچ بلک در مصارف لازمه بیامده درین نوبت
دولتین انگلیس و روس تا اطمینان کامل حاصل
نمایند که وجوه استقراضی در مواد لازمه حاکم در
مخاطرات رسمی آن اشاره شده صرف خواهد شد
تأیید عالی بدولت ایران نخواهند داد، ایزه لک دولتین

قشون روس و احرار اختلاف اندازند ، از طرف انجمن ایالتی و ستارخان جد و جهد می رود که مقصر را کشف نموده بدست آرند

ترجمه ترقی منطیبه یاد کوبه

می فر قشون روس با یک مهندس طازم طهران شده و در قزوین نقشه سنگرهای احرار را برداشته اند از رشت خبر رسیده علاوه بر یک جهاز جنگی روس که در آنژی بود یک جهاز دیگر هم وارد شده درین جهاز اسیران و زندران زیاد دیده می شوند کارشان فقط نجس و تقصص است ، و نیز آنچه در بندر وارد می شود تلاش می نمایند ، ازین حرکات روسیانی اعلی سخت بغضب آمده بواسطه جمیع ناپسندگان خارجه پروست کرده اند

اقواء است که هشت هزار قشون عثمانی در سرحدات آذربایجان آماده و از ستارخان اذن ورود خواسته ، میگویند ستارخان بعد از مشوره و گفتاش به انجمن اذن داده است

از رشت خبر رسیده که جهازات جنگی روس در (مردآب آنژی و بندر جرز و بندر مشهد سر) آمده قزاقهای روسی بسواحل مازندران وارد شده اند ، این خبر که برشت رسید مبعجان عظیمی در اعلی پیدا شده ، انجمن ایالتی هشت هزار نفر آماده نموده بود که جداً به مدافعه آغازند ولی پس از مشوره زیاد و صواب دید علاوه قرار دادند که بدو بروستی به تمام دولت روسیه اعلام نمایند که تمام ملت در حفظ حقوق و طلبه تا آخرین قطره خون خون خنجر و خنجرانند گذاشت یک نفر قشون خارجه در ابران توقف داشته باشد

از همسایگی ستارخان بخانه او نفی زده و بقورخانه ستارخان رسیده آتش زدند ، مسایه را گرفته ، از قراریکه معلوم شده ابدأ اطلاعی نداشت و پیکناه بوده است ، جناب معلوم شد که این حرکت از جانب مستبدین بوده ، فوسل روس و جنرال اسنارسکی تبریک سلامتی به ستارخان گفته اند

بموجب تلگراف تبریز ولوله غریبی در شهر اوقاده سپس معلوم گردید بحکم (جنرال اسنارسکی) سنگرهای مجاهدین را با (دینامت) خراب کرده اند یک نفر از قشون روس در تبریز مقتول شده ، (جنرال اسنارسکی) که هزار تومان خون چاهی او را خواسته انجمن ایالتی یک حصه از وجه این مطالبه را بقورسلطانه روس تسلیم داده است

را درباریان ایران خیلی سخت و براسیه خود فلت پنداشته اند ، ولی حقیقت امر را دانایان ایران بخوبی درک توانند کرده ،

برخلاف بیانیکی رسماً روس نموده مسکه حاجلاً قشون خود را از تبریز بیرون کرده با کم خواهد نمود اما پترسبرگ بتساری چین خبر رسیده شد دولت روس خیال ندارد بزودی از اطراف تبریز حرکت کند و تا کردما از سرحدات ایران با اسلحه و قورخانه خارج نشوند لازم است که روسها از آنجا حرکت نکنند ، ازمانیک حکومت مستقلی در تبریز وارد نشده رفته رفته املیت در تبریز زیاد می شود ، و قشون روس قفقازیکی برای تأیید احرار آمده بودند متفرق می سازد ،

چون فوسل خانه قزوین محافظ زیاد ندارد در تفرقه قفقازیان تا کانون تدارکی شده است

ترجمه اخبار اتفاق

منطیبه یاد کوبه

احرار ایرانی که از قشون استبداد حلاله شده غالب عورات آنها در لباس مردانه در آمده اطفال خود را گرفته و بی پرستار گذاشته سبب ضرر سلاح در بر کرده در حفظ حقوق و طلبه آماده مدافعه شده اند

(ستارخان) در شرایط صلح این شرط را نیز شامل نموده که آنچه را قشون استبداد از اعلی قارل برده باز دهند ، و آنچه را در آن قارت گریها اقدام داشته اند در توبری دولت علیحدت سارید ، قوسلهای نون خارجه مقیم تبریز این شروط ستارخان را تصدیق و قبول نموده اند

امیر بهادر و لیاکوف و سایر سران استبداد در خانه شیخ فضل الله رفته سعی اند که انتظام ابران برقرار سابق برقرار باشد ، میگویند ایران پادمان نمی خواهد

احرار ایران با کمال شدت و متهای ادب با شاه در سؤال و جواب اند که چون اعلان مشروطیت داده شده جداً و حاجلاً باید قشون روس عودت داده شود

در تبریز از قشون روس یک نفر قتل رسیده همچو می بندارند از طرف احرار این حرکت شده است ، ولی این واقعه بعد از اعلان مشروطیت شده ، از قرار معلوم مستبدین این حرکت را نموده که این

مخصوص (اعلیحضرت ادورد حفتم) و سفیر ژاپون آنها را استقبال نمودند ، بزورگان و روسای ژاپون نیز حضور داشتند

✪ خبر روتر از (پترسبرگ) خبر میدهد که از بیانات انجا ظاهر میشود امپراطور روس حین مراجعت از (کایس) مجدداً در (کیل) ملاقی با امپراطور آلمان خواهد گردید

(۱۹ ج ۱ - ۵ جون)

✪ تلگرافی از اسلامبول رسیده است که (مراد بی) مدیر و مالک روزنامه (میزان) را عدالت نظامی مجرم مشتمل نمودن بقاوت درین وقت اظہر سزای حبس دوام داد

✪ شورای محری فرانسه دستور العمل تعمیر ۵۵ جہاز جنگی را داده و مصارف آن (۵۲۰) میلیون لیرا خواهد بود که تاہ سال آید تکمیل شود

(۲۰ ج ۱ - ۹ جون)

✪ (انور بی) در (برلن) به خبر روزاظهار داشته که دولت عثمانی مانند (بوسینا) در مقابل وجه (کریت) را نخواهد داد ، تکلیف به علیحدگی (کریت) دعوت به جنگ است ، قفقون در (اطن) بآن سهولت میتوان فرستاد که در اسلامبول فرستاده شد

(۲۱ ج ۱ - ۱۰ جون)

✪ باصلی رسماً بجمع دول اطلاع داده که در ماه جولائی موعداً اخراج قفقون آنهاست از (کریت) ✪ در (پترسبرگ) مشہر است که امپراطور روس بعد از ملاقات با امپراطور آلمان با اعلیحضرت اٹالیول پادشاه ایتالی و رئیس جمهور سیه فرانس و اعلیحضرت ادورد حفتم ملاقات خواهد کرد ولی تاریخ ملاقات هنوز معین نشده

✪ پارلمان عثمانی با تاقی آراه مصارف پنج میلیون لیرا را منظور نموده که منجمه آن چهار میلیون در اصلاح قفقون بری و بحری صرف شود و این وجه از فروتنی متروکہ عبدالحمید خان خواهد شد

✪ امپراطور و ملکہ روس در دریای (فنلند) برای ملاقات قصر آلمان وارد شدند

✪ روزنامه رسمی روسی می نویسد که ملاقات امپراطورین دوستانه و بیحدی نوع خللی با اتحاد ثلاثه روتن فرانس و انگلیس نبرساند و نیز دولت روس از اتحاد به آلمان هم روگردان نخواهد بود

(۲۶ ج ۱ - ۱۵ جون)

✪ اعضای (لیبرال) پارلمان انگلیس از آمدن

از طرف قفقون روسی درجه حیایان که احرار را استحقاقات زیاد بود تمام خراب نموده اند ، در انشای خراب کردن کمدای همان محله هم شریک در این خرابکاری گردید

شہانہ نوبیبات روس اسلحه خانہ ملی تبریز را تصرف کردند و قفقون روس در بازار چرخس و است آئوده که زد او سلاح بوده میگیرند

مہارت بانک روسی در تبریز حکم بانک اردوگان کوچکی را پیدا کرده است

✪ قونسل روس و انگلیس توأم بانجمن ایالتی تبریز آمده بمناسبت اعلام مشروطیت ملتیارا تبریک گفته اند

بموجب تلگرافیکه از طهران رسیده رؤسای روحانی نجف اشرف بشاه تلگراف نموده اند که فوراً باید قفقون روسی از تبریز خارج شود ، جهان ضوان از رشت و اصفهان و سایر بلاد تلگراف بمشاه شدہ ، میگویند هیئت وزرا با سفیر روس و انگلیس درین موضوع در مذاکره اند

✪ خبر از قفقون روسی در تبریز به پیر مرید ضعیفی سخت تنه زده و آن بجماریه ناتوان اوقناده و مرده است ، انجمن ایالتی به جنرال اسنارسکی درین باب مراجعہ نموده ، جنرال موسوف جواب داده که پس از تحقیق اگر سادفات مقصر بوده سزا خواهد داد

تلگرافات

(۱۶ ج ۱ - ۵ جون)

✪ در روزنامجات آلمان ایتانای نویسد که تخریب تلافی امپراطورین آلمان و روس منجانب امپراطور روس شده ، بیان مینمایند که از این ملاقات روس را در جزیره نای بالکان منافع بسیار حاصل خواهد شد

(۱۷ ج ۱ - ۶ جون)

✪ در پاریس بطریق رسمی بیان شده که براساس ملاقات و بازدید (دیوال) رئیس جمهوری فرانس و امپراطور روس در (جررگ) ۲۹ جولائی خواهند رسید ، و پس از قیام دو روزه آنجا ۷ آگست در (کایس) خواهند رفت که در آنجا ملاقات اعلیحضرت (ادورد حفتم) را به نمایند

✪ خبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که تمام مسائل صلح آلمانی (اورینتیل) ما بین باجالی و کپانی طبعاً حل شد (۵۷) میلیون فرانک تاوان خواهد داد که در کپانی بکسوبه تقسیم خواهد شد

✪ شہزادہ خاتم (لیمونو) ژاپون در استانبول و صکنوربا نائب

امپراطور و وزیر امور خارجه روسیه را در مورد
جواب آيا روسيه در مورد اظهار نظر خود
امپراطور روسي مطالبه نمود و در جواب
نامه داني را نيگنديد و در جواب داني را
داني را نيگنديد و در جواب داني را

(۲۷ ج ۱ - ۱۳ جون)

(مسيو استرايچ و مسيو اسولسكي)
والسراي لغون پي و بحري از (وزير امور خارجه)
(چكوسلواكيا) و هيسار شدند تا در حين ملاقات
روس و نيمر آلمان حاضر باشند

چهار فرودت جهاز جنگي از قبيل (موشكات)
كه وزن هر يك (۲۳۰۰۰) (تن) است در پروسيا
و آلب ادخلتند. اين جهازات اسپيش روسي ولي نام
به نقشه انگليسي خواهد بود

(۲۵ ج ۱ - ۱۷ جون)

جراند آلمان اظهار ميدارند كه از ملاقات امپراطور
روس و نيمر آلمان چيچ خللي باقاي دولتبن واود
خواهد آمد. اکنون آن زمان گذشته كه دولت آلمان
طوفان از بكنست بودن خود داشته باشد

جراند روسيه بر مسئله ملاقات امپراطور روس
و نيمر آلمان ساكت آمده ولو اتحاد امپراطور و نيمر
را اعلام ميدانند. ولي هي نويستند كه امپراطور روس
مخبر كسان را نمي تواند ترك كند

تكرار لغت روز واجع باران

(۲۵ ج ۱ - ۱۷ جون)

امپراطور از تجرب خبر ميگردد كه در لشكراه
كوش روسي پيش سرایت كرده است
ملاك شده انجوييد كه استبداد از بعضي از لشكروان

(۲۶ ج ۱ - ۱۵ جون)

از تكرر اف تهيذ ظاهر مي شود كه دولت روس
يكصد و چهار تويان با دو توب طالعين دار هر ارميه
فرستاده است

جبل تلين

دولت روسي وقت را در پروسيا
بعضي دولت از مرزبان اسم حفاظت نويستند
بوتيا ولو اينكه بايد. سكون دولت روسيه
از اين سر كش روسي حالي را ميبرد
فايت است و در اسيه با روسيه
شخصي تكميل را در اسيه با روسيه
غير انديشه را در اسيه با روسيه
دولت روسيه در اسيه با روسيه

دولت روسيه در اسيه با روسيه
دولت روسيه در اسيه با روسيه
دولت روسيه در اسيه با روسيه
دولت روسيه در اسيه با روسيه
دولت روسيه در اسيه با روسيه

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر

(۲۲ ج ۱ - ۱۵ جون)

موجب تكرر اف كه
سويك خراسان ممدو داشته
شاه خارج كرد بيه. دولت خراسان
بدولتيان با ديوانته بخارت يكباره
اقتشاش عظيم دوباره در شهر